



حج دوره کاملی از سیر عبودیت و بندگی خدا است / اسرار اعمال حج

حج یک دوره کاملی از سیر عبودیت و بندگی خدا و به اصطلاح یک سیر وسلوک معنوی است که بنده از موطن خود تا قرب الهی را می پیماید.

حج یک دوره کاملی از سیر عبودیت و بندگی خدا و به اصطلاح یک سیر وسلوک معنوی است که بنده از موطن خود تا قرب الهی را می پیماید.

به گزارش خبرنگار مهر، این روزها و تا فرارسیدن ماه ذی الحجّة هر روز با شنیدن عزیمت گروهی از هموطنان به سرزمین وحی برای انجام اعمال حج تمتع، بیش از پیش ذهن ها و اندیشه ها حول مفهوم حج می گردد و انسان احساس نیاز می کند نسبت به این مناسک روحانی بیشتر آگاهی داشته باشد.

جریان حج ، کعبه، طواف، سعی، رفتن به عرفات، مشعر، و منا مسیری است که حضرت جبرئیل (علیه السلام) این رسول امین الهی به حضرت آدم (علیه السلام) و در دل خودش اسرارزبانی دارد.

آغاز اعمال حج با اسراری که در مورد خلقت انسان است پیچیده شده است. این همان پیوستگی اسرار حج با خلقت انسان است. جبرئیل مناسک را به حضرت آدم (علیه السلام) آموخت و ایشان تمامی مناسک را یک بار تکرار کرد.

چگونگی آن را صادق آل محمد (علیه السلام) در حدیثی چنین فرمودند: «... چون زمانی فرا رسید که خدا می خواست توبه آدم را بپذیرد جبرئیل را نزد او فرستاد. جبرئیل گفت: سلام بر تو، ای آدم که بر آزمایش و آزمون خود صبرکردی و از خطای خود توبه کردی. همانا خدای سبحان مرا به سوی تو فرستاد، تا اعمال و عباداتی را که خدا می خواهد به سبب آن ها توبه تو را بپذیرد، به تو بیاموزم. پس جبرئیل دست آدم را گرفت و او را به محل کعبه آورد. ابری از آسمان فرود آمد و بر مکان کعبه سایه انداخت. جبرئیل گفت: با پایت آنجا را که ابر سایه افکنده علامت بگذار، که آن قبله تو و آخرین فرد از فرزندان توست. آدم با پای خود آن جا را که ابرسایه افکنده بود، علامت گذاشت. سپس او را به منی برد و مسجد منی را نشان داد، پس با پایش علامت گذاشت و نقشه مسجد الحرام را کشید و امتداد داد، پس از آن که جای کعبه را علامت نهاد. سپس او را از منی به عرفات برد و او را بر معرف (محل اعتراف در عرفه) اقامت داد.

پس جبرئیل گفت: چون خورشید غروب کرد، هفت بار به گناه خویش اقرار کن و هفت از خداوند بخواه که بیامرزد و توبه تو را بپذیرد. آدم چنان کرد و از این رو آن جا معرف (عرفه) نام نهاده شد، زیرا آن جا آدم به گناه خود اعتراف کرد و برای فرزندان او سنت شد که به گناهانشان اعتراف کنند، آنگونه که آدم اعتراف کرد و توبه بطلبید، آنگونه که آدم طلبید.

سپس جبرئیل به او فرمان داد تا از عرفات کوچ کرد و برکوه های هفت گانه گذشت، به او دستو داد که نزد هرکوه چهار بار تکبیر بگوید و آدم چنان کرد، تا آنکه به مشعر رسید. چون به مشعر رسید یک سوم شب گذشته بود. پس نماز مغرب و عشاء را آن شب و در آن جا با هم خواند.

سپس او را دستور داد تا دربطحاء (وادی مشعر) به رو درافتد. او هم به رو افتاد تا آنکه سپیده دمید، به او دستورداد برکوه، کوه جمع (مشعر) بالا رود و دستور داد چون خورشید بر آمد، هفت بار به گناهایش اعتراف کند و هفت بار از خداوند توبه و آمرزش بخواهد، و آدم چنان کرد همانگونه که جبرئیل او را فرمان داد، و همانا آن را دو بار اعتراف قرارداد تا در فرزندانش سنت باشد. پس هرکه از آنان، عرفات را درک نکرد و مشعر را درک کرد، حج خود را (تا منی) کامل ساخته است. سپس از مشعر به منی کوچ کرد و نیمروز به منی رسید به او دستور داد در مسجد منی دو رکعت نماز بخواند.

سپس دستور داد، برای خدا قربانی کند تا از او بپذیرد و بداند که خداوند توبه او را پذیرفته است و قربانی کردن در فرزندان او سنت باشد. آدم قربانی کرد و خدا از او پذیرفت، پس آتشی از آسمان فرستاد و قربانی آدم را پذیرفت. جبرئیل به او گفت: ای آدم، خداوند به تو نیکی کرد، چرا که مناسکی را که به سبب آن ها توبه تو را می پذیرفت، به تو آموخت.۱»

اما چرا نام این حج را با آنکه حضرت آدم (علیه السلام) اول بار انجام داد به عنوان حج ابراهیمی نامگذاری شده است.

علامه طباطبائی (رحمه الله) در تعبیر زیبایی می فرمایند:

وقتی که سرگذشت ابراهیم (علیه السلام)، آن چنان که در قرآن بیان شده را ، به دقت مطالعه کنیم می یابیم که این جریان یک دوره کاملی از سیر عبودیت و بندگی خدا و به اصطلاح یک سیر وسلوک معنوی است که بنده از موطن خود تا قرب الهی را می پیماید و با پشت سر انداختن زخارف دنیا و لذات و آرزوهای مادی و جاه و مقام و خلاصی از وسوسه های شیطانی به مقام قرب الهی دست می یابد.

این وقایع و اعمال و نسک حج گرچه به ظاهر از هم جدا هستند ، اما مطالعه دقیق آن نشانگر دقایق آداب سیر طلب و حضور مراسم حب و عشق و اخلاص و بالاخره بیرون آمدن از مقامات دانیه و پیوستن ته مقامات عالیه است که هر چه بیشتر در آن وقت شود حقائق تازه تر و نکات لطیف تر عاید انسان می گردد.

از این رو خداوند متعال هم برای فراهم شدن این یر بندگی و رسیدن به مقام قرب و حضور الهی و زیارت کعبه حقیقی ، به حضرت ابراهیم خلیل الرحمن و اسماعیل ذبیح الله (علیهما السلام) ماموریت دادند که حریم خانه اش را از ه چیزی که مانع این سیر و سلوک معنوی باشد، پاکسازی نمایند. تا زائران الهی در خانه اش صرفاً به او ببیندیشند و دور او طواف نمایند و از ظلمت ماسوی الله رهائی یابند تا بتوانند در خانه عشق همان او شوند و آماده ملاقات با یگانه معبود علم هستی گردند.۲

و در تعبیر عارف واصل آیت الله ملکی تبریزی (رحمه الله) این چنین آمده است:

حج، دارویی الهی و مرکب از اجزاء بسیار نافع برای بیماریهای دل می باشد. بیماریهایی که قلب را از عالم نور باز می دارد. مثلاً خرج کردن در حج بیماری بخل را معالجه نموده و تواضع و خواری در اعمال حج و طواف و نماز مرض تکبر را معالجه می کنند، بخصوص اعمالی که فلسفه آن را نمی دانیم، مانند هروله یا تحمل سختیهای اعمال آن که تنبلی را معالجه می کند. و سایر اعمال آن... بنابراین حج و سایر عبادات باید آن طور انجام شود که خدا می خواهد و تنها زمانی به این امر رسیده و از نتیجه عبادت برخوردار می شویم که هدف از آن عبادت را بدانیم و اگر کسی حج را همانگونه که در این روایت آمده بود انجام داده و به تک تک اعمال و نیتهایی که در آن آمده بود عمل کند، می توان گفت: آنگونه حج را بجا آورده است که خدا می خواهد.۳

کلام بزرگان ما این گونه نشان می دهد که خروج از طبیعت و عالم ماده به سوی عالم ماوراطبیعت و پیوستن به توحید، در حج ابراهیمی شکل می گیرد. این مسیری است که حضرت ابراهیم (علیه السلام) به نحو کامل آن را رفته است و خدای متعال به ابراهیم (علیه السلام) امر فرمود: این طریق را در میان خلق ندا بده تا آنان نیز این طریق را ببینند تا به مقام قرب ما نزدیک شوند. بنابراین این حج، حج ابراهیمی نامگذاری شد.

امام باقر (علیه السلام): چون خداوند- جلّ جلاله- به ابراهیم (علیه السلام)فرمان داد که میان مردم ندای حج سر دهد، او بر «مقام» ایستاد و بالای آن رفت، تا این که رو به روی کوه ابو قُبَیس قرار گرفت. پس در میان مردم، به حج ندا داد و به گوش همه آنان که تا برپایی قیامت، در صلب مردان و رحم زنان هستند، رساند.

المستدرک علی الصحیحین- به نقل از ابن عبّاس-: چون ابراهیم (علیه السلام) کعبه را بنا کرد، خداوند به او وحی کرد که: «مردم را به حج، ندا بده»

ابراهیم (علیه السلام) گفت: آگاه باشید! پروردگارتان خانه را بر گزیده و شما را فرمان داده است که آن را زیارت کنید.

پس، هر چیزی که ندای او را شنید، از سنگ و تپّه و خاک، پاسخ داد: لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ.۴

پی نوشت

[1] . علل الشرایع /400و401باب 142 طبع داراحیاء تراث العربی . وسائل الشیعة ، ج 8 / 161 ، باب 2/ ابواب اقسام الحج ، حدیث 21، طبع اسلامیة

[2] . علامه محمد حسین طباطبایی ، المیزان ،ج1،(قم: منشورات جامعه مدرسین ، بی تا)، ص 298.

[3] . المراقبات ترجمه ابراهیم محدث بندرریگی صفحه ۳۸۲ تا ۳۹۹

[4] . محمد محمدی ری شهری، حج و عمره در قرآن و حدیث، 1جلد، نشر مشعر - تهران، چاپ: 1، 1386.